

به یاد جو هیل

تدوین و ترجمه: رامین جوان

جو هیل در 7 اکتبر 1879 در سوئد به دنیا آمد. او یک کارگر، شورشی، آهنگساز و عضو از خود گذشته «اتحادیهی کارگران صنعتی جهان» بود. بهترین سرودهای وی، برده و خریدار و دختر شورشی هنوز هم از آوازهای دلخواه کارگران است. کارگرانی که او را در ترانه‌های جاودانی خوش نشانده‌اند:

من اونو توی خواب دیدم
هیل رو توی سیاهی‌بای شب دیدم

جو هیل در گاول، سوئد، متولد شد. او به همراه یکی از بردارانش در سال 1902 به آمریکا رفت. بار نخست نامش را به جوزف هیلستروم تغییر داد، بعدها همین نام به صورت جو هیل ساده شد. مدت زمانی به کار خرم کردن گندم و لوله‌کشی پرداخت، پیانو نواخت و در یکی از کافه‌های شهر نیویورک تفداها را پاک می‌کرد؛ زمانی چند به کار استخراج مس و کار در کشتی اشتغال داشت و همچنین شعر و ترانه می‌سرود و هم‌جور چیزی می‌نوشت. جو هیل در سال 1910 در سن پدرو به «اتحادیهی کارگران صنعتی جهان» (IWW) پیوست. در این هنگام، پنج سالی بود که (IWW) با موسیقی و آواز نگاه کارگران را به سوی خودش کشانده بود. جو هیل حق داشت که می‌گفت: «یک کتاب هر قدر که خوب نوشته شده باشد، بیشتر از یک بار خوانده نمی‌شود، اما آواز در دل می‌ماند و بارها و بارها تکرار می‌شود.»

شِگِرد (IWW) این بود که اندیشه‌های نو و آرزوهای فرودستان و تحقیرشدگان را در آوازهای مردم کوچ و خیابان می‌نشانده، در همه ترانه‌هایی که بر سر زبانها انداخته بود، کارگرها را به یکی شدن و همبستگی می‌کشانید. او می‌گفت: *اونا باید به خودشون احترام بذارن و از حق و حقوقشون دفاع بکنن، اونا با طبقه مرفه و ثروتمند که همه چیز در اختیار شونه، از زمین تا آسمون تفاوت دارن. توی دنیای ما میلیونها کارگر گرسنه و درموندن اما اربابا از همه چیز برخوردارن. این دو تا دنیا خیلی باهم فاصله دارن!*



جو هیل در این سرودهایش همه خشکه مقدسا رو بهریشخند می‌گرفت:

هی بلومینین، هی بخورین بدرود بدرود
توی آسمون، توی اون تیکه زمین نورانی بالای آسمون
هی کارکنین، کار بکنین، دعا بکنین،
وقتی که ربق رحمتو سر می‌کشین،
توی آسمون بهتون به کلوجه قلمبه مبین!
قلمبه‌ی قلمبه!

در ژانویه 1914، جو هیل در شهر سلت لیک، اوتاوا به اتهام دروغین قتل بازداشت شد. بیست و دو ماه بعد با وجود اعتراض‌های جهانی کارگران، مدافعین نظم موجود او را در برابر جوخه‌ی مرگ نهادند.

پلیس ایالتی اعلام کرد که جو هیل و مرد دیگری (که هرگز تشخیص داده نشد و یافته نشد) باید همان دو نفری باشند که در روز دهم ژانویه به‌خواربارفروشی موریسون حمله کردند و با تیراندازی به‌او و پسرش، آنها را به‌قتل رساندند. به‌نظر می‌رسید که این اقدامی انتقام‌جویانه از طرف پلیس باشد. از مغازه‌ی موریسون چیزی به‌غارت نرفته بود، موریسون سابق براین پلیس بود که برای ایجاد «امنیت»، رعب و وحشت آفریده بود. جو هیل فقط این را بر زبان آورد که در قتل موریسون شرکت نداشته و «بیگناه» است. مقامات **اوتلوا** با وجود اعتراض اتحادیه‌ی کارگران صنعتی و مقامات سوئدی، جو هیل را اعدام کردند. از همان لحظه‌ی بازداشت جو هیل، بیرون از دادگاه تلاش بسیاری توسط پلیس برای گناهکار قلمداد کردن وی آغاز شده بود. جو هیل پیش از مرگ تلاش بسیاری کرد تا حکم را به‌تجدید نظر بکشاند، او در این هنگام بود که بهترین سروده‌ی خود به‌نام «**دختر شورشی**» را سرود. چند ساعت پیش از رفتن به‌سوی مرگ، آخرین وصیت‌نامه‌ی خود را این چنین نوشت [1]:

وصیت نامه‌ی من خیلی ساده است،
 آخه چیزی برای میراث گذاشتن ندارم
 تنها یه جنازه دارم، که اگه دست خودم بود، اونو می‌سوزوندم
 و می‌گفتم خاکستر اون به‌جائی که گلها می‌شکفند، بیرن.

در ترانه‌ی «قدرت توی خونه» این چنین سروده:
 قدرت توی خونه،
 قدرت توی مشت کارگراییه که
 دستاشونو توی دست همدیگر گره میزنن
 آره اون قدرته، او همون قدرت واقعیه
 این قدرت باید توی همه کشورا فرمون برونه
 آره، فقط اتحادیه‌ی کارگرا!

یکی از اعضای «اتحادیه‌ی کارگران صنعتی جهان» اظهار می‌دارد که: «جو مشکلات ما رو می‌دونست، اون از اندوه ما با خبر بود، آخه اون هم مٹ ما ناچار بود توی طویله بخوابه، اونایی که این سختی‌ها رو نکشیدن، از اندوه بزرگ ما بی‌خبرن!»

جو هیل در تلگرامی به‌بیل هیوود بزرگ یکی از رهبران جنبش کارگری آمریکا این گونه وداع کرد:
 هی بیل! حالا دیگه وقت رفته،
 رفتن راس راسی،
 خب، واسه همیشه بدرود
 من دیگه دارم میرم،
 واسه‌م مجلس سوگواری نزار، وقتتو تلف نکن،
 به‌راحت ادامه بده،
 پرتلاش و خستگی ناپذیر!

از سروده‌های جو هیل

کیسی جونز

کارگران خط آهن اس. پ اعتصاب کرده بودن و شعار می‌دادن
 اما کیسی جونز، مهندس خط قطار، به‌اعتصاب نپیوست
 دیگ بخارش نشستی داشت، چرخهای لوکوموتیوش لنگر می‌زد
 موتور قطارش، حتی خودش هم، از رده خارج بودن
 کیسی جونز، خرت و پرتشو راس و ریس می‌کرد
 مثل خر کار می‌کرد
 اربابانش واسه‌ی وفاداریش و خردکاریش، یه مدال چوبی زد رو سینه‌اش
 کارگرا سر کیسی داد کشیدن:
 او هوئی، واسه چی نمیخواهی به‌ما ببیوندی؟
 بسه دیگه اینقده جون می‌کنی
 بیا به‌ما کمک کن، اعتصابمون پیروز بشه!
 اما کیسی همونجور که به‌موتور لکنتی‌ش ور می‌رفت، به‌کارگرا جواب داد:

منو تنها بذارین، بهتره شما برین به‌گردشتون ادامه بدین!
 بعد ماشین کیسی فس‌فس‌کنان، به‌آخر خط که رسید
 کیسی به یه رودخونه رسیده بود،
 که بعدش شترق! به تصادف وحشتناک
 کیسی جونز، پرت شد ته رودخونه
 کیسی جونز ستون فقراتش شکست و استخوانش خاکشیر شدن
 کیسی جونز یه فرشته مامانی شد و،
 با همون خط آهن اس. پ یه‌سر رفت به‌بهشت.
 همین که کیسی جونز دم دروازه‌ی مرورید نشون بهشت رسید
 هوار کشید: او هوی، منم، کیسی جونزم!
 من همونیم که توی خط آهن اس. پ مٹ خر کار می‌کرد
 تو هیچ اعتصابی هم شرکت نمی‌کردم، ها!
 رسول بهش گفت
 نه، تو از جنس فرشته‌ها نیستی، تو یه آدمی، همین!
 هی! ببینم، نقار مچی‌یا مون اعتصاب کردن
 دهه! یادم اومد تو یه اعتصاب شکنی!
 بُدو بیا یه شغل نون و آبدار واسعت سراغ دارم
 کیسی جونز یه کاری توی بهشت گیرش اومد
 کیسی جونز تاوان کارشو پس می‌داد
 کیسی جونز رفت تا واسه فرشته‌ها، اعتصاب‌ها رو بشکنه.
 درس مٹ همون کاری که با کارگرای خط آهن اس. پ می‌کرد

واعظ و برده

جو هیل در این ترانه‌ی پرانگیزه، خیل و اعظان را که به‌جای مبارزه برای خودرهایش کارگران، آنها را به‌شکیبایی، صبر و آرامش دعوت می‌کنند؛ به‌گونه‌ای نمادین و آشکار ریشخند می‌کند.

شب که میشه
 واعظا با زلفای بلندشون
 می‌زنن از خونه بیرون
 که تو کلهت بچیونن، و تو مغزت بتیونن و بهت بفهمونن
 که چه چیز درسته، یا چی غلطه!
 اما یه دفه، از شون آگه بپرسی
 آفاهه، هی آفا واعظ! هیچی واسه خوردن گیر نمیداد!
 چطور چیزی گیر بیاریم؟
 اونا، با صدای گرم و نرمشون جواب میدن:
 همیشه، اون روز موعود نزدیکه
 روزی که شما در سرزمین مجلل و با شکوهی که بالای آسموناس
 هی بخورین، هی بخورین
 باس کار کنین و هی عبادت بکنین
 روی زمین سفت هم بخوابین
 اونوقت، همین که دراز به‌دراز رو زمین افتادین
 یه کلوچه‌ی خوشمزه تو آسمونا بهتون میدن
 با شنیدن وعده و عید واعظ!
 لشگر گشنه‌ها دوباره به‌کارشون سرگرم میشن
 اونام، دس می‌زنن، دعا می‌خونن و عبادت می‌کنن
 همین که یه قرون آخریتو گرفتن
 اونوقت بهت میگن: حالا بهتره رو ماتحتت بشینی

کر:

حکمرانان مقدس

بیرون بیابید

وقت موعظ‌هس

اونا بهت میگن: صدقه بده!
پولاتو بده به عیسا مسیح
اون همه‌ی ناخوشیا،
همه‌ی درد و بلاهاتو همین امروز درمون میکنه!
صدقه بده، صدقه دفع بلاس!

کر:

آگه واسه‌ی زن و بچت جون بکنی
آگه تلاش کنی تا چیزای خوب خوب به دست بیاری
تو یه آدم بدی، تو یه گناهکاری
بعدشم بهت میگن:
وقتیکه جونت درآد، مطمئن باش که یه سر میری به قعر جهنم!

کر:

آهای با شمام
شمایی که توی تموم کشورا کار میکنن،
متحد بشین!
ما همه‌جا، وجب به وجب روی زمین
واسه آزادی پیکار می‌کنیم!
روزی که ثروت دنیا تو چنگمون بیفته
با رفقا و هم پیمانامون این آواز و دسته جمعی می‌خونیم:
همواره میتونی بخوری
وقتی که بلد شدی بیزی و سرخ کنی
یه خورده هم، کار تو راس و ریس می‌کنه
اونوقت، همیشه غذاهای خوب خوب، میتونی بخوری

دخترشورشی

در بهار 1915، جو هیل پس از دیداری که با الیزابت گرلی فلین داشت، ترانه‌ای در وصف زنانی که به «کارگران صنعتی جهان» یاری رسانده بودند، سرود. جو هیل نام ترانه‌اش را تحت تأثیر افکار و احساسات فلین «دخترک شورشی» نهاد.

جو هیل درباره‌ی او گفته که «تو همیشه با من رو راست بودی». چهره‌ی فلین توسط یک هنرمند بر روی صفحه‌ی موسیقی این آهنگ تصویرپردازی شد.

در این دنیای پر از شگفتی
همه‌گونه زنی را می‌توان یافت
آنانی را که در خانه‌های بزرگ و درندشت و یا در کاخ‌ها زندگی می‌کنند
لباس‌هایشان لطیف است و رنگ به رنگ
شهبانوان و شهدختانی‌اند با رگهایی نیلگون
که چون الماس و زمرد گیرایند و دلربا
اما تنها بانوی اصیل، آن دخترک شورشی است

کر:

شورشی‌ست، شورشی‌ست
او دخترکی شورشی است
مرواریدی گرانبهاس
او پیک امید، دلیری، غرور و شادی
برای مردان شورشی است
پیش‌ترها، شیرزنانی هم سراغ داشتیم
اما این شورشی، امیدی دیگرست
در میان کارگران، جستجوگر امیدیم
تا مهیا شویم برای پیکارهای بزرگ
برای آزادی

در کنار یک دختر شورشی
آری، دست‌هایش از تلاش و کار
ظرافت زنانگی زنان خانه‌نشین را از دست داده و،
عضلانی و زمخت شده‌اند
لباسش نازک و لطیف نیست
اما در سینه‌اش دلی در تپش است
که نشان از طبقه او دارد
آنگاه که او به‌کین‌خواهی و مبارزه برمی‌خیزد
سرمایه‌داران بر خود می‌لرزند
آری، فقط این دختر اصیل، دخترک شورشی است

کر:
آن دختر شورشی، او یک دختر شورشی است
او مرواریدی گرانبهاست
او پیام آور دلیری
غرور
و شادمانی
برای مردان شورشی پیکارگر است
بیش از این دختران بسیاری را دیده‌ایم
اما، ما
در انبوه کارگران جهان، پی‌جوی چیزی دیگریم
برای پیکاری بزرگ برای آزادی
همراه با یک دختر شورشی

[1] واپسین خواسته‌ی جو هیل را در همین سایت (همراه با موسیقی و آواز) در لینک زیر ملاحظه می‌کنید:

<http://www.jonbeshekargary.org/jonbeshspecial/item/699>